

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۴، ساختار انجیل یوحنا

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات یوحنا هستم. این جلسه چهارم، ساختار انجیل یوحنا است.

لطفاً با من دعا کنید. پدر، ما از تو به خاطر کلام مقدست سپاسگزاریم. دعا می‌کنیم که ما را تشویق کنی، ما را به عشق و کارهای نیک تحریک کنی، و درک و دانش ما را از پسر خدا که ما را دوست داشت و خود را برای ما فدا کرد، افزایش دهی. به نام او دعا می‌کنیم، آمین.

اکنون به ساختار انجیل یوحنا می‌پردازیم که ما را قادر می‌سازد تا متون آن را در چارچوب وسیع آن درک کنیم. توافق جهانی وجود دارد که انجیل یوحنا با یک مقدمه آغاز می‌شود و توافق نسبتاً خوبی نیز وجود دارد؛ من خوشحال شدم که بگویم، از آنجایی که این نتیجه‌گیری خودم بود، با یک خاتمه به پایان می‌رسد. مقدمه، یوحنا ۱: ۱-۱۸ است که در آن بسیاری از مضامین انجیل یوحنا معرفی شده‌اند.

بخش پایانی ۲۱: ۱-۲۵ است، سومین ظهور عیسی بر شاگردانش پس از رستاخیزش، صید معجزه‌آسای ماهی در دریای جلیل، و برخورد عیسی با پطرس که او را به توبه‌ای سه‌گانه می‌رساند که با انکار سه‌گانه مسیح، مطابقت دارد. پیشگفتار ۱-۱۸، فصل ۱: ۱-۱۸، بخش پایانی ۲۱: ۱-۲۵، کتاب نشانه‌ها ۱۹: ۱-۱۲: ۵۰. کتاب جلال ۱۳: ۱-۳۱: ۲۰. من باید این وقفه‌ها را توجیه کنم، پس بیایید به بخش پایانی برویم.

بدیهی است که ۱:۱ نقطه شروع است. بین ۱:۱۸ و ۱:۱۹ یک وقفه وجود دارد. ۱:۱۸ می‌گوید هیچ‌کس تا به حال خدا را ندیده است، تنها خدایی که در کنار پدر است.

او او را شناسانده است. ۱:۱۹، و این شهادت یوحنا است وقتی یهودیان کاهنان و لایوان را از اورشلیم فرستادند تا از او بپرسند که تو کیستی؟ در اینجا یک وقفه وجود دارد. یک آغاز وجود دارد، و یک آغاز از موضوع شهادت وجود دارد که بقیه فصل ۱ را در بر می‌گیرد. می‌تواند به عنوان بخشی از رستاخیز، بخشی از مقدمه گنجانده شود.

مقدمه می‌تواند مقدمه باشد و بقیه فصل ۱ شاهد موضوع باشد، یا می‌تواند فقط مقدمه باشد و سپس ۱:۱۹ کتاب نشانه‌ها آغاز می‌شود. این روش معمول برای انجام آن است و برای من هم اشکالی ندارد. بنابراین مقدمه می‌شود. کتاب نشانه‌ها یا از ۱:۱۹ یا ۲۱ شروع می‌شود.

من می‌گویم ۱:۱۹، ۲۱ می‌گوید در روز سوم، بنابراین یوحنا روزها را می‌شمارد. این نشانه خوبی است که کتاب نشانه‌ها نباید از ۲۱ شروع شود. دلایل زیادی وجود دارد که چرا کتاب نشانه‌ها بعد از ۱۲ به پایان می‌رسد.

خیلی مهم است. باب ۱۲ اینگونه تمام می‌شود، و من می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است. پس ۱:۱۳ آنچه می‌گویم، همان چیزی است که پدر به من گفته است.

اکنون پیش از عید فصح، هنگامی که عیسی می‌دانست ساعتش فرا رسیده است تا از این جهان به ۱:۱۳ سوی پدر برود، و چون خاصان خود را که در جهان بودند دوست می‌داشت، آنها را تا به آخر دوست

داشت. این آغاز یک آغاز جدید است. تحلیل مخاطبان ما را به تمایز بین کتاب آیات و کتاب جلال هدایت می‌کند.

کتاب نشانه‌ها، در آن بخش، مخاطب نشانه‌ها و موعظه‌های عیسی جهان است، به خصوص جهان یهودی. که او در آن بود، جایی که او بود، و مخاطب کتاب جلال جهان نیست. بلکه شاگردان در اتاق بالا هستند همانطور که قبلاً گفتیم، اگر «من هستم، گفته‌ها «را دنبال کنید، ببخشید، نشانه‌ها، هفت نشانه بین فصل‌های ۲ و ۱۱ قرار دارند. می‌دانم که فصل ۱۲ نیست؛ تقسیم‌بندی‌های فصل‌ها الهامی نیستند، اما قبل از فصل‌های ۱۲ و ۱۱ نشانه هفتم است.

تا فصل ۲۰، یعنی رستاخیز عیسی، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یا واقعی‌تی باشد که نشانه‌ها به آن اشاره می‌کنند یا نشان بزرگی باشد که نشانه‌ها به آن اشاره دارند. بنابراین، رستاخیز ایلعازر اشاره‌ای به رستاخیز عیسی است و بنابراین هفت نشانه در کتاب نشانه‌ها جمع شده‌اند و غیبت آنها تا یوحنا ۲۰ نشانه‌ای است که کتاب جلال، که از ۱:۱۳ شروع می‌شود، در این مورد نیز پس از ۱۱ یا ۱۲ وقفه‌ای دارد. تحلیل مخاطب در این زمینه واقعاً مهم است.

سپس، عبارات موجود در ۱۲:۳۷ و ۲۰:۳۰ و ۳۱ موازی هستند و به دو بخش انجیل یوحنا اشاره می‌کنند همانطور که قبلاً اشاره کردم، ریشه در فصل ۱ دارند. بیایید به فصل ۱ برگردیم. فصل ۱، مقدمه، باید بگویم، مقدمه ما را به بخش بزرگ انجیل یوحنا هدایت می‌کند.

بعد از اینکه گفته شد نور حقیقی به جهان می‌آید، آیه ۹ و آیه ۱۰ می‌گوید که او در جهان بود، نور حقیقی در جهان بود و جهان به واسطه او ساخته شد. برگردیم به فصل ۳، جهان او را شناخت. او به قوم خود آمد و قوم خودش او را نپذیرفتند. پس از تجسم از نظر نور در آیات ۹، ۱۰ و ۱۱، رد نور، رد مسیح را بیان کنید.

او در جهانی که خود ساخته بود، بود و خالق، مخلوقی شد تا جهان را دوست بدارد و حیات جاودان را به جهان بیاورد. اگرچه او جهان را آفرید، جهان او را شناخت. او را رد کرد. او به سوی خاصان خود آمد، اما خاصانش او را نپذیرفتند.

می‌گوید قوم خودش، و این خوب است، اما من توصیه‌ای برای اولین استفاده از قوم خودش در فصل ESV دارم. دقیقاً همین عبارت در یوحنا ۱۹ استفاده شده است، جایی که عیسی از روی صلیب به یوحنا ۱۱ شاگرد محبوبش می‌گوید، اینک مادرت، و به مریم می‌گوید، اینک پسرت. من در کتاب اعمال رسولان هستم.

و بعد می‌گوید، از آن روز، او، یوحنا، مریم را به خانه‌ی خود برد. این همان عبارتی است که در یوحنا ۱ و اولین کاربرد، استفاده شده است. بفرمایید، ۱۱.

یوحنا ۱۹، ای زن، اینک پسرت. ۱۹:۲۶، به شاگرد، اینک مادرت. از همان ساعت، شاگرد او را به خانه خود برد.

همین عبارت در باب ۱ آیه ۱۱ آمده است. من آن را اینگونه ترجمه می‌کنم. او به خانه خود آمد و قوم خودش او را نپذیرفتند.

این خانه‌ی خود اوست زیرا او جهان را آفریده است. شاید این اشاره‌ای به خانه‌ی خود او، اسرائیل، سرزمین موعود قوم عهد باشد. به قوم خود او، همانطور که تفاسیر اذعان می‌کنند، آشکارا اشاره به اسرائیل است.

بنابراین، اولین پاسخی که در مقدمه به عیسی داده می‌شود، رد منفی است، یوحنا ۱:۱۰ و ۱۱. پاسخ دوم خوشبختانه، ۱۲ و ۱۳، مثبت است. اما برای همه کسانی که او را پذیرفتند، کسانی که به نام او ایمان آوردند، این مهم است.

پذیرفتن مسیح تفاوتی با ایمان آوردن به او ندارد. شاید به شش طریق، یوحنا از ایمان صحبت می‌کند. در استفاده کرده است یا نه، او بارها از ، pistis ، انجیل چهارم، و نمی‌دانم که آیا او هرگز از کلمه ایمان pisteuo ، یعنی باور کردن، استفاده می‌کند.

ایمان به مسیح، ایمان به نام او و دریافت او. ایمان به او با ایمان داشتن به او متفاوت است. ایمان داشتن به او یعنی اعتبار بخشیدن به سخنان او.

ایمان آوردن به او همان ایمان آوردن به نام اوست. این به معنای اعتماد به او به عنوان یک نجات‌دهنده است. اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، به کسانی که به نام او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، کسانی که نه از خون، نه از خواهش جسم، نه از خواهش مردم، بلکه از خدا متولد شدند.

بنابراین، در مقدمه، آیات ۱۰ و ۱۱، پاسخ منفی به عیسی و آیات ۱۲ و ۱۳، پاسخ مثبت به عیسی آمده است. و این تضاد، انجیل یوحنا را ترسیم می‌کند.

از آنجا که کتاب نشانه‌ها در ۱۲:۳۷ با این کلمات خلاصه شده است، اگرچه او پیش از آنها نشانه‌های بسیاری انجام داده بود، اما آنها هنوز به او ایمان نیاوردند. و این پیش‌بینی اشعیا در اشعیا ۵۳ را محقق می‌کند. یوحنا قصد دارد این کلمات را، ببخشید، در کنار ۲۰:۳۰ و ۳۱ قرار دهد.

بیاید این کار را انجام دهیم و شباهت‌ها و تضادها را ببینیم. هر دو به انجام معجزات توسط عیسی اشاره دارند. هر دو به انجام معجزات توسط عیسی در حضور افراد دیگر اشاره دارند.

هر دو ابتدا به ایمان اشاره دارند. در واقع، ابتدا به بی‌ایمانی و سپس به ایمان. در مقابل، آیات ۱۲:۳۷ که ابتدا آمده است، آیات ۲۰:۳۰ و ۳۱، در مقابل، می‌گویند که اکنون عیسی معجزات بسیار دیگری انجام داد معجزات عیسی، ۱۲:۳۷، اگرچه او معجزات بسیاری را در حضور شاگردانش انجام داده بود، ۱۲:۳۷، قبل از آنها، عیسی، معجزات بسیاری را در حضور آنها، عیسی، معجزات بسیار، حضور شاگردانش.

قبل از آنها در ۱۲:۳۷ دنیا، به ویژه دنیای یهودیان، قرار دارد. ۱۲:۳۰ که همه آیات این کتاب نیست. یوحنا گزینشی عمل کرد، اما اینها نوشته شده‌اند تا شما به آنها ایمان بیاورید. ۱۲:۳۷، اگرچه او قبل از آنها آیات زیادی انجام داده بود، اما آنها هنوز به او ایمان نیاوردند.

بی‌ایمانی: هدف کتاب، ایمان است. شما می‌توانید باور کنید که عیسی مسیح، پسر خداست و می‌توانید به نام او حیات داشته باشید. بنابراین ۱۲:۳۷ همان، ۲۰:۳۰ و ۳۱ نقطه مقابل ۱۲:۳۷ هستند. نشانه‌هایی در حضور مردم که منجر به بی‌ایمانی می‌شود، نشانه‌های عیسی، نشانه‌های عیسی در حضور شاگردانش که منجر به ایمان و حیات ابدی می‌شود.

بنابراین، یوحنا در آیات ۱، ۱۰ تا ۱۳، طرح کلی انجیل را که از قبل در مقدمه آمده است، نشان می‌دهد. پاسخ منفی آیات ۱۰ و ۱۱، کتاب نشانه‌ها را پیشگویی می‌کند و پاسخ آن در آیات ۱۲:۳۷، در واقع، ۳۷ تا خلاصه شده است. و پاسخ مثبت در آیات ۱۲، ۱۳ و ۱۲، آیات ۲۰:۳۰ و ۳۱ را پیشگویی می‌کند ۴۳.

، بنابراین، به دلایل زیادی، می‌بینیم که یک کتاب نشانه‌ها و یک کتاب جلال وجود دارد. مقدمه، بدنه انجیل به کتاب نشانه‌ها، کتاب جلال و سپس خاتمه تقسیم می‌شود. کتاب جلال تا زمان رستاخیز عیسی هیچ نشانه و علامتی ندارد.

سپس، در خاتمه، نشانه دیگری وجود دارد، اما شامل سخنرانی‌های خداحافظی، ۱۲، ۱۳ تا ۱۶ است. دعای بزرگ کاهن اعظم عیسی در ۱۷، دستگیری در ۱۸ و مصلوب شدن در ۱۹، ۲۰ رستاخیز اوست. مخاطبان متفاوت و مضمون متفاوت، نه نشانه‌ها در حال حاضر، بلکه سخنان و آموزه‌های عیسی در مورد آنچه قرار است هنگام بازگشت او به سوی پدر اتفاق بیفتد، در مورد روح حقیقت و روح زندگی، در مورد آزار و اذیت در جهان.

این تعلیم برای خودش، برای خودش، به شیوه‌ای بسیار خاص است. دوباره در آیه ۱: ۱۳ می‌گویم: شاگردان به بالاخانه می‌روند و عیسی در را به روی جهان می‌بندد. در فصل ۱۷، من برای جهان دعا نمی‌کنم.

من برای کسانی که به من بخشیده‌ای دعا می‌کنم. اوه، اما این هنوز یک ماموریت تبلیغی است. و او برای آنها دعا می‌کند که خدایشان از کلام آنها، کلام کسانی که دارند، کسانی که پدر به او داده است و به او ایمان آورده‌اند، استفاده کند، که البته دیگران نیز او را بشناسند.

بگذارید کمی بیشتر به مقدمه پردازم. خیلی غنی است و من واقعاً حق مطلب را در مورد آن ادا نکرده‌ام. و الان هم قصد ندارم این کار را بکنم، اما می‌توانم خیلی بیشتر از این‌ها توضیح بدهم.

در آغاز کلمه بود، کلمه نزد خدا بود، و کلمه خود خدا بود. در اینجا ما نه به فلسفه هلنیستی، ادیان رمزآلود یا عرفان، بلکه به آیه اول کتاب مقدس اشاره داریم. در آغاز، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید.

این پیشینه یوحنا است. بله، او البته در دنیای هلنیستی صحبت می‌کند. و در واقع، کلمه لوگوس موضوع گمانه‌زنی‌های زیادی در آن دنیا بود.

اما مفهوم او از لوگوس نه از فیلون یا اسرار یا چیزی شبیه آن، بلکه از کتاب پیدایش آمده است. و خدا گفت، بگذار نور باشد. و نور شد و همینطور ادامه یافت.

یعنی، کلمه وسیله‌ی خدا برای خلق کلام گفتاری‌اش بود. در اینجا، کلمه شخصیت‌مند شده است. حتی فراتر از آن، کلمه یک شخص است و کلمه، نماینده‌ی پدر در خلقت است.

آیه سوم. خیلی شبیه به پیدایش، یک کلمه در ابتدا. اینها دقیقاً کلمات ترجمه هفتادگانی، نقل قول آزمایشی یونانی عهد عتیق، هستند، همانطور که در اول یوحنا هم همینطور است.

این مفهوم کلمه در یوحنا ۱، اول یوحنا ۱ و مکاشفه ۱۹ آمده است. کلمه نزد خدا بود. این حرف اضافه از یک بودن صحبت می‌کند، کلمه در حضور کسی است که به عنوان خدا شناخته می‌شود.

کلمه در حضور دیگری است. و علاوه بر این، کلمه خدا بود. یک دقیقه صبر کنید.

فرقه‌ها به ما می‌گویند که باید «خدا» را ترجمه کنید. آیا کلمه‌ای که «خدا» آنها بود، از مقاله خوشش نمی‌آید؟ بله. آیا این به آن معنا نیست که باید «خدا» را ترجمه کنید؟ خیر.

چرا این را می‌گوییم؟ خب، به خاطر ثبات از طریق عادت. آیه شش. مردی از جانب خدا فرستاده شده بود که نامش یحیی بود.

هیچ ترجمه‌ای نمی‌گوید که این همان خداست بدون حرف تعریف. بدیهی است که به خدای حقیقی و زنده اشاره دارد. در مورد آیه ۱۲ چطور؟ او به همه کسانی که به نام او ایمان دارند، حق بودن داد

او به آنها حق داد که فرزندان خدا شوند. نه، نه، مطلقاً نه. فرزندان خدا

چرا کسی باید کلمه خدا را در آیه اول ترجمه کند؟ به دلیل تعهد الهیاتی قبلی آنها به انکار الوهیت مسیح، که به خاطر آن محکوم به فنا خواهند شد. شما می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید. این موضوع تغییری در ماهیت عیسی ایجاد نمی‌کند.

نه، این تغییر نمی‌کند که او کیست. او پسر ابدی خداست: کلمه، نور، شخص دوم تثلیث

اما باور غلط من در مورد اینکه او کیست، ماهیت او را تغییر نمی‌دهد. اما مطمئناً مانع از آن می‌شود که برای نجاتم به او اعتماد کنم. آیا قرار است به یک موجود پست، صرفاً پست، صرفاً انسان یا یک فرشته اعتماد کنم تا گناهانم را ببخشد و به من زندگی ابدی بدهد؟ فکر نمی‌کنم.

از این رو، کلمه خدا اکنون اصول اولیه آموزه دوگانگی دو شخص در الوهیت را به ما می‌دهد. همانطور که قبلاً گفتم، در درجه اول، یوحنا روح القدس را پس از پنطیکاست قرار می‌دهد. و این نه تابع الهیات کتاب مقدس، بلکه الهیات سیستماتیک است که بگوییم، در اینجا اصول اولیه آموزه دوگانگی وجود دارد، که در کمال حتی آموزه یوحنا، و به ویژه آموزه پولس، به آموزه تثلیث تبدیل می‌شود.

همه چیز به واسطه او آفریده شد. بدون او هیچ چیز آفریده نشد. این تأیید خلقت کامل به موجب تأیید مثبت و انکار منفی است.

پولس در کولسیان ۱ از استراتژی‌های متفاوتی استفاده می‌کند، و نویسندگان عبرانیان و عبرانیان هر دو از یک استراتژی استفاده می‌کنند، اما هر بار، زبان جامع اینجا، انکار، تأیید مثبت است، همه چیز از طریق او ساخته شده است. انکار منفی، بدون او، چیزی نبود که ساخته شده باشد. پسر، که در اینجا کلمه نامیده می‌شود، کلمه، آشکارکننده بزرگ خدا، نماینده پدر در خلقت است، به زبان پیدایش ۱ و ۱، آسمان‌ها و زمین، جهان.

در او حیات بود، آیه چهارم، محل حیات جاودان. زوئی همیشه در انجیل چهارم که در کلام بود، به معنای حیات جاودان است. باز هم، نشانه دیگری مبنی بر اینکه او خداست.

ضمناً، اولین کلمات، در ابتدا، کلمه بودند که دلالت بر الوهیت کلمه داشت. آنها در ابتدا تکرار می‌کنند که خدا آسمان‌ها و زمین را آفریده است. جای خدا در آنجا توسط کلمه گرفته شده است.

همین الان، خوانندگان، خوانندگان یهودی، غیریهودیانی که به کنیسه می‌روند، به اصطلاح خداترسان گوش‌هایشان تیز شده است. چی؟ این کلمه در آیه اول کتاب مقدس تورات جای خدا را می‌گیرد. وای. در او حیات بود، و آن حیات جاودان، که در پسر طنین‌انداز بود، به واسطه آفرینش همه چیز توسط او، نور انسان‌ها بود.

این وحی خدا بود، نوری که بر آدمیان می‌تابید، مفعول مفعولی. یعنی، یوحنا ۱:۴ وحی عمومی را آموزش می‌دهد. بشر چگونه آن را دریافت کرد؟ نه خیلی خوب.

نور در تاریکی می‌درخشد، تاریکی‌ای که همچنان خدا و خلقت را آشکار می‌کند، اما تاریکی بر آن غلبه نکرده است. این ترجمه بسیار بهتر از آن چیزی است که من فهمیدم. این واقعیت که تاریکی نور را درک نکرده است، درست است، اما تاریکی در انجیل چهارم سعی در درک نور ندارد.

تاریکی در تلاش است تا نور را خاموش کند، نور را خاموش کند، همانطور که در آیات یوحنا ۳:۱۹ و آیات بعدی دیدیم، مردی از جانب خدا فرستاده شد که نامش یحیی بود. این یحیی تعمید دهنده است. نام یحیی، رسول، هرگز در انجیل چهارم ذکر نشده است.

او به عنوان شاهد آمد تا درباره نور شهادت دهد. یحیی تعمید دهنده در معرفی یوحنا رسول تمرکز متفاوتی دارد، یحیی تعمید دهنده در انجیل یوحنا با انجیل‌های هم‌نوا متفاوت است، جایی که یوحنا با پیام توبه برای بخشش گناهان می‌آید، تأکید بر تعمید قومش در اردن. تأکید اینجا بر یحیی به عنوان یک شاهد است.

موضوع شهادت، که همانطور که قبلاً گفتم، در یوحنا ۱، ۱۹ تا پایان، و سپس به ویژه در فصل ۵ و بعداً در فصل ۸ بسط داده شده است، در آیه هفتم انجیل یوحنا معرفی می‌شود. او به عنوان شاهد آمد تا درباره نوری شهادت دهد که همه بتوانند از طریق او، یوحنا، در نور، عیسی، ایمان بیاورند. انجیل یوحنا نمی‌توانست واضح‌تر از این باشد.

او نور نبود، بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد. ۴۰۰ سال هیچ پیامبری نبود. خدا پسرش را می‌فرستد، و خدا پیشرو را می‌فرستد، ببخشید، طبق اشعیا ۴۰ و طبق آخرین فصل ملاکی.

خدا یحیی تعمید دهنده را فرستاد، پیشرو کسی که با قدرت الیاس آمد. چرا مردم پیام یحیی تعمید دهنده را باور کردند؟ انجیل یوحنا فصل ۱۰، آیه ۴۱ می‌گوید، یحیی هیچ نشانه‌ای نداد. شوخی می‌کنی؟ ۴۰۰ سال هیچ پیامبری نبود، و این مرد با این قیافه، شبیه اشعیا، با رژیم غذایی بیابانی می‌آید و موعظه می‌کند، و مردم او را باور می‌کنند؟ بله، چون کلام داغ خدا از دهان او بیرون آمد.

به همین دلیل است که مردم به او ایمان آوردند. خدا عمداً، یوحنا ۱۰، ۴۱، به یحیی تعمید دهنده اجازه نداد که معجزه‌ای انجام دهد. چرا؟ در نهایت، مردم او را با مسیح اشتباه گرفتند.

چند بار یوحنا می‌گوید، یوحنا، رسول می‌گوید، او نور نبود؟ یوحنا تعمید دهنده می‌گوید من مسیح نیستم. من پیامبر نیستم.

به من فرصت بده. من باید کم کنم. او باید زیاد شود، فصل سوم.

تقصیر یحیی تعمید دهنده نیست که فرقه یحیی تعمید دهنده وجود داشته است. خدای من! او نور نبود. بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد.

او یک راهنما است. او یک شاهد است، همانطور که اشعیا گفت. نور حقیقی که به همه نور می‌دهد، به جهان می‌آید.

این آیه به صورت‌های مختلفی ترجمه شده است، و گاهی اوقات معنای بسیار متفاوتی دارد. برای مثال، نسخه کینگ جیمز می‌گوید که نور حقیقی هر انسانی را که به دنیا می‌آید روشن می‌کند، و از این برای آموزش مفهوم وسلایبی بخشش ازلی جهانی که به هر نوزادی داده می‌شود، استفاده شده است. مطمئناً، آن سنت می‌تواند برای آموزش این ایده به متون دیگری نیز متوسل شود.

فکر می‌کنم جواب نمی‌دهد، اما به تلاششان احترام می‌گذارم. دانشجوی سابقم، برایان، که نام خانوادگی‌اش ناقص است، به تشویق من کتابی در مورد دیدگاه وسلی از فیض الهی نوشت و در واقع آن را به دو نفر تقدیم کرد، که من یکی از آنها بودم، و به رابرت پترسون، استادم، که مرا تشویق کرد، اگرچه با من موافق نبود. آفرین، برایان.

آفرین. به امید خدا، اسم شما کمی بعد اینجا به ذهنم خواهد رسید. در هر صورت، این ترجمه خوبی از این آیه به دو دلیل نیست.

بلکه، باید نور حقیقی باشد که به جهان می‌آید، یک دستورالعمل عرفانی که با آمدن او وجود داشت. چرا، این را می‌گویید؟ چون اگر این را نگوئید، اینطور می‌شود. نور حقیقی که هر انسانی را که به جهان می‌آید روشن می‌کند، در جهان بود.

نه. او، همانطور که او به جهان می‌آید، نور حقیقی هر انسانی را که به جهان می‌آید روشن می‌کند. سپس در آیه ۱۰، این عجیب است.

او در جهان بود. یعنی، آیه ۹ تجسم را تعلیم نمی‌دهد. این آیه تعلیم می‌دهد که خدا به نوزادان فیض می‌بخشد.

اما اگر این را به این شکل بگوئید، نور حقیقی در حال آمدن به جهان بود، که آیه ۱۰ را تنظیم می‌کند. او در همگی این کار را به این شکل انجام می‌دهند NIV، ESV، NASB جهان بود. به همین دلیل است که

نور حقیقی که به همه نور می‌دهد. این یعنی چه؟ آیا نوعی الف است؟ من این را از فیلسوفان مسیحی دیده‌ام. و منظورشان خیر است. و من حقیقت گفته‌ی آنها را انکار نمی‌کنم، اینکه خدا لوگوس است.

او منبع تمام حکمت و دانش است. و خداوند به ما عقل سلیم عطا کرده است. این درست است، اما منظور آیه این نیست.

این آیه می‌گوید که نور حقیقی در تجسم او، انسان‌هایی را که با آنها در تماس است، روشن می‌کند. یعنی، این یک گزاره تاریخی است، نه یک اصل فلسفی. نور حقیقی به هر کسی که به جهان می‌آید، نور می‌بخشد.

همانطور که قبلاً گفتیم، او در جهان بود. و جهان به واسطه او آفریده شد، اما جهان او را نشناخت. او به خانه خود آمد و قوم خودش او را نپذیرفتند.

بنابراین، آن پاسخ منفی در فصل ۱، آیات ۱۰ و ۱۱ وجود دارد. اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، یعنی به کسانی که به نام او ایمان آوردند، حق داد که فرزندان خدا شوند. مگر اینکه یوحنا ضمیر خود را با هم قاطی کرده باشد، و این در کتاب مقدس ممکن است، از این نظر بی‌خطا نیست.

در عوض، نوشته شده که پسر افراد را به فرزندی قبول می‌کند. در هر جای دیگر، پدر افراد را به فرزندی قبول می‌کند. بیایید دوباره امتحان کنیم.

به همه کسانی که او را پذیرفتند، او پسر خداست، به هر که به نام او ایمان آورد، او پسر خداست. او حق فرزندی خدا را داد. آیا این به پدر منتقل می‌شود؟ من فکر نمی‌کنم.

و این به این معنی است که پسر نقش پدر را بر عهده می‌گیرد. او نقش پدر را در تبدیل کردن مردم به فرزندان خدا و به فرزندی پذیرفتن آنها ایفا می‌کند. این امر به طور منحصر به فردی در انجیل یوحنا و انجیل یوحنا در کل کتاب مقدس خواهد بود.

شاید اینطور باشد. نکته‌ی مهمی نیست. سه بار می‌گوید چه کسی به دنیا آمده است، نه از اعمال یا توطئه یا نقشه‌ی انسان، بلکه از خدا متولد شده است.

بنابراین، ایمان هدیه‌ای از جانب خداست. تولد تازه دستاوردی انسانی نیست. این کار خداست.

البته این مضمون در فصل سوم انجیل یوحنا بسط داده شده است. کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد. باید دوباره آن را بگویم.

اگر ۱۰ و ۱۱ پاسخ منفی می‌دهند، ۱۲ و ۱۳ پاسخ مثبت به عیسی می‌دهند. و این طرح کلی انجیل را مشخص می‌کند. کتاب نشانه‌ها با بی‌ایمانی پایان می‌یابد، مطابق با ۱:۱۰ و ۱۱.

کتاب جلال با هدف انجیل، که نشانه‌های عیسی، ایمان و حیات جاودان اوست، به پایان می‌رسد، آیات ۳۱ و ۳۰. این با آیات ۱:۱۲ و ۱۳ مطابقت دارد. کلمه جسم شد ۲۰:۳۰.

این به آن معنا نیست که، همانطور که آپولیناریوس گفته است، فقط یک بدن را به خود گرفت. این یک روش استعاری برای گفتن مردی از گوشت و خون است. او انسان شد و به طور موقت در میان ما ساکن شد، در خیمه، دو معنی دارد.

و ما جلال او را دیده‌ایم. جلال از آن پسر یگانه‌ی پدر است، پر از فیض و حقیقت. جلال، که مضمونی مهم در انجیل چهارم است و پر از فیض و حقیقت است، پیش از این معرفی شده است.

مهربانی و وفاداری خدا. در پراوتز، یحیی به او شهادت داد. یحیی، hesed v'emet، مفهوم عهد عتیق تعمیم دهنده فریاد زد: «این همان کسی است که درباره‌اش گفتم، کسی که پس از من می‌آید و از من پیشی می‌گیرد زیرا او پیش از من بوده است.»

باید در ترجمه آن را روان‌تر کنید، اما به معنای واقعی کلمه می‌گوید، این همان کسی بود که درباره‌اش گفتم آنکه پس از من می‌آید، پیش از من است زیرا پیش از من بوده است. کمی نامفهوم به نظر می‌رسد. جان چه می‌کند؟ خواننده را درگیر می‌کند.

آن که پس از من می‌آید، یحیی تعمیم دهنده، شش ماه قبل از عیسی به دنیا آمد. اما این به آن معناست که او از من جلوتر است. او از من پیشی گرفته است.

کسی که شش ماه پس از تولد من، پس از من می‌آید، از نظر مقام و مرتبه از من جلوتر است. او از من پیشی گرفته است. او به مقام و مرتبه بالاتری از من رسیده است، زیرا پیش از من بوده است.

،یحیی تعمید دهنده اینجاست، احتمالاً بهتر از آنچه می‌داند صحبت می‌کند. او وجود ازلی کلمه ابدی، نور پسر را تأیید می‌کند. زیرا از کمال او، همه ما فیضی افزون بر فیض دریافت کرده‌ایم.

در انجیل چهارم اشارات زیادی به ابدیت، به الوهیت پسر خدا وجود دارد. در اینجا به یکی از آنها اشاره می‌کنیم. از کمال پسر خدا که مجسم شده است، ما فیض پس از فیض را دریافت کرده‌ایم.

این هیچ معنایی برای یک فرشته ندارد. از پری فرشته مقرب، میکائیل، ما فیض دریافت کرده‌ایم. من اینطور فکر نمی‌کنم.

از کمال پولس رسول، من اینطور فکر نمی‌کنم. نه، خدا آن جایگاه زبانی را اشغال می‌کند. از کمال خدا، همه ما فیض پس از فیض دریافت کرده‌ایم.

این فیض فراوان است، فیض به جای فیض. مهربانی خدا وقتی که ما سزاوار خشم او بودیم. و خدا، خدا در اینجا به پسر، کلمه، نور اشاره دارد.

زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد و در واقع چنین نیز شد. فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح آمد.

و فیض و حقیقت نیز از طریق موسی وجود داشت. اما صرفاً به نظر می‌رسد که عهد عتیق در مقایسه با فیض و حقیقت در خداوند عیسی مسیح، صرفاً غیرقانونی به نظر می‌رسد. هیچ کس تا به حال خدا را ندیده است. موضوع را خلاصه کند.

او نامرئی است. او یک روح است. تنها خدایی که در کنار پدر بود.

آیا این یک گزاره هستی‌شناختی است؟ اینکه پسر روی زمین نزد پدر در آسمان است؟ یا صرفاً یک گزاره استعاری است؟ چه کسی عمیقاً مورد عشق پدر است؟ حداقل دومی است. ممکن است اولی باشد. و در واقع، حتی ممکن است هر دو باشد.

باید قبلاً این را می‌گفتم. در طول سال‌ها، همانطور که دانش آموزان را با جان استایل آشنا کرده‌ام، یک هیولا خلق کرده‌ام زیرا این یک مشکل است. از کجا می‌دانید اغراق چیست؟ از کجا می‌دانید معنای دوگانه چیست؟ از کجا می‌دانید کنایه چیست؟ پاسخ این است که با متن اصلی و سپس متن کامل‌تر آن فصل و متن کامل‌تر آن نیمه از کتاب یوحنا و کل کتاب یوحنا بسیار دقیق کار کنید.

ما می‌توانیم از تفسیر کتاب مقدس خوشمان بیایید. این با نوعی تقلید از کتاب خوب گرنه آذربورن، «مارپیچ هرمنوتیکی»، به مجموعه‌ای از دایره‌های متحدالمرکز است. این دایره‌ها با بسط متن کتاب مقدس، بزرگ‌تر می‌شوند.

بیرونی‌ترین دایره، کل کتاب مقدس است. یک پله درون آن عهد عتیق، سپس عهد جدید، و در این مورد انجیل‌ها قرار دارند. و آنها نقاط مشترکی دارند.

یوحنا خیلی چیزها را تکرار نمی‌کند، اما برخی از چیزهای بسیار مهم، مانند مرگ و رستاخیز عیسی و غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر را تکرار می‌کند. بنابراین، وقتی چیزی را تکرار می‌کند، مهم است. سپس نوشته‌های یوحنا، قطعاً انجیل و نامه‌ها، و شاید هم مکاشفه در آنجا.

من معتقدم که او نویسنده‌ی کتاب مکاشفه است. این را به محققان عهد جدید واگذار می‌کنم. من فقط یک متکلم فروتن و سیستماتیک هستم که اینجا با انجیل یوحنا سرگرم می‌شوم.

«سپس، انجیل یوحنا یک دایره کوچکتر است. همانطور که گرت آزبورن در کتاب «ماریچ هرمنوتیکی، نشان می‌دهد، هرچه دایره‌ها کوچکتر شوند، تأثیر آنها بیشتر می‌شود. انجیل یوحنا، و سپس، در این مورد مقدمه، هنوز یک دایره کوچکتر است.

و بعد، فکر کنم دارم ۱:۱۸ رو انجام میدم. ۱:۱۸ کوچکترین دایره‌ست و دایره‌ی بالای اون یکی، نمی‌دونم تا ۱۸ هست ۱۶.

این کمی بزرگتر در مقابل اطراف آن است، شاید در هر دو جهت، اگرچه ۱۱۹ یک حرکت جدید را آغاز می‌کند. بنابراین اینگونه است که می‌توان سعی کرد فهمید که از طرف پدر به چه معناست. با گسترش حلقه‌ها، هنوز نفوذ وجود دارد، اما نفوذ کمتر.

بعضی وقت‌ها تعجب‌آور است. یوحنا ۱:۵۱، نردبان یعقوب در عهد عتیق کاملاً به سمت بیرون است. اما در متن یوحنا اشاره‌ای به این موضوع شده است که واقعاً به عهد عتیق اشاره دارد.

این کار خیلی خوبی برای مقدمه نیست. مقدمه پر از مطالب است. پر از تصاویر و مضامین فوق‌العاده‌ای است که در بقیه انجیل یوحنا وجود دارد.

همانطور که گفتیم، کتاب نشانه‌ها با این شهادت‌ها درباره عیسی که قبلاً در فصل اول آمده است، یکی پس از دیگری، آغاز می‌شود. یحیی تعمید دهنده دوباره شهادت می‌دهد، به خصوص با بیان جمله زیبای ۱:۲۹ اینک بره خدا، که گناه جهان را برمی‌دارد. «وقتی درباره دیدگاه‌های یحیی در مورد کفار مرگ نجات‌بخش» مسیح صحبت می‌کنیم، دوباره به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما فعلاً فکر می‌کنم منظور او این است که به قربانی خاصی اشاره نمی‌کند، بلکه همانطور که لئون موریس در کتابش، موعظه رسولی صلیب، گفته است، من معتقدم که یحیی تعمید دهنده به همه قربانی‌ها، کل سیستم قربانی اشاره می‌کند. عیسی همه آنها را به انجام می‌رساند. او جایگزین همه آنها می‌شود.

او قربانی نهایی است. همانطور که در زبان عبری به زبانی متفاوت و بسیار واضح آمده است، این قربانی تکمیل و جایگزین تمام آن قربانی‌های دیگر است. و سپس در ادامه فصل اول، شاهدان بیشتری از عیسی داریم.

سی. اچ. داد کتاب معروفی در مورد انجیل یوحنا نوشته است. و به نظر من، او به درستی و با بصیرت کامل اشاره می‌کند که یوحنا ۱:۷ و ۸، خلاصه‌ای از یوحنا ۱:۱۹ تا ۴۲ را ارائه می‌دهند. بنابراین می‌توانم این را درست متوجه شوم.

اول از همه، یوحنا ۱:۷. یحیی به عنوان شاهد آمد تا بر نور شهادت دهد. این یوحنا ۱:۱۹ تا ۲۸ است. یوحنا بارها می‌گوید، من مسیح نیستم.

من پیامبر نیستم. من الیاس نیستم. اگرچه در متی، عیسی می‌گوید که او با روح و قدرت الیاس آمده است، اما او آن شخصیت الیاس از ملاکی ۴ نیست که طبق درک یهودی در روزهای آخر ظاهر خواهد شد.

پس این یوحنا ۱۷ است. یوحنا به عنوان شاهد آمد تا بر نوری شهادت دهد که اگر بخواهید، عنوان یواخیم برای یوحنا ۱:۱۹ تا ۲۸ است. تا همه به او ایمان بیاورند. ببخشید

عنوان یوحنا ۱:۱۹ تا ۲۸ این است. او نور نبود، بلکه آمد تا درباره نور شهادت دهد. این عنوان است

سپس، مورد مربوط به یوحنا ۱:۲۹ تا ۳۴ این است: او به عنوان شاهد آمد تا درباره نور شهادت دهد، زیرا این کاری است که او انجام می‌دهد. اینک، بَره خدا

سپس، عنوان یوحنا ۱:۳۵ تا ۴۲ این است: یوحنا ۱:۷. تا همه به وسیله او ایمان بیاورند. زیرا روز بعد دوباره آنجا را می‌بینیم، یوحنا ایستاده بود

دو نفر از شاگردانش آنجا بودند. و او به عیسی که از آنجا می‌گذشت نگاه کرد. و گفت: «این است برهی خدا.»

و ببینید چه اتفاقی می‌افتد. آن دو شاگرد این را شنیدند و به دنبال عیسی رفتند. آنها یحیی را ترک کردند

آنها به عیسی ایمان آوردند. آنها از عیسی پیروی کردند و یحیی را ترک کردند و یحیی خشنود شد. آنکه از بالاست، بزرگتر است.

من فقط دوستِ اون داماد هستم. اون ناجی کلیساست. من نیستم؛ من فقط دوستش هستم

من فکر می‌کنم این یک سری ایده‌های روشنگرانه از سی. اچ. داد در کتاب خوبش در مورد مضامین انجیل چهارم بود. او نور نبود، بلکه شهادی بر نور شد (یوحنا ۱:۱۹ تا ۲۸). (او به عنوان شهادی برای شهادت بر نور آمد) (یوحنا ۱:۲۹ تا ۳۴)

تا همه به نور درون او ایمان بیاورند. یوحنا ۱:۳۵ تا ۴۲. کتاب نشانه‌ها، همانطور که بارها گفته‌ایم، با ۱:۱۹ شروع می‌شود، بخش شهادت تا انتهای فصل اول به شهادت یحیی تعمید دهنده، یوحنا، حواریون، فیلیپ، اندریاس، پطرس و نتنائیل

اینها شاهدان عیسی هستند. فصل دوم و آیه اول، اولین نشانه از هفت نشانه را آغاز می‌کنند. این نشانه‌ها تا پایان فصل ۱۱ ادامه می‌یابند، جایی که ایلعازر به هفت نشانه رستاخیز می‌یابد: آب به شراب، فصل ۲؛ پسر افسر شفا یافت، فصل ۴، مرد لنگ شفا یافت، فصل ۵، ۵۰۰۰ نفر سیر شدند؛ عیسی شاگردان را از طوفان دریا نجات می‌دهد

روی آب راه می‌رود ۶، یک مرد نابینا را شفا می‌دهد، او از همه جلوتر می‌رود، دشوارتر است ۹، دشوارترین ایلعازر در فصل ۱۱ زنده می‌شود. این کتاب نشانه‌ها پر از نشانه‌ها و معجزات است. آنها نشانه هستند زیرا آشکار می‌کنند که عیسی کیست.

محققان به درستی آنها را نه در هیچ نوع تطابق یک به یک، بلکه به نشانه‌های موجود در کتاب خروج، یعنی بلایا، مرتبط می‌دانند که نه تنها خدایان مصری را داوری کرد، بلکه بپوه را به عنوان خدای حقیقی و زنده آشکار ساخت. بار دیگر، نشانه‌ها به خدای خورشید اشاره داشتند که جلال خود را در نشانه‌ها آشکار کرد. ما جلال خورشید را می‌بینیم

و با این، سخنرانی امروز را به پایان می‌رسانم، در این سخنرانی، جلال خورشید را می‌بینیم که در اولین نشانه و هفتمین نشانه نشان داده شده است. اولین نشانه، یوحنا تا ۱۱. این اولین نشانه از نشانه‌های اوست که

عیسی در قانای جلیل انجام داد و جلال خود را آشکار کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند، به نظر من به معنای شروع به ایمان آوردن به او است، فصل ۱۱

بنابراین، کاری که یوحنا انجام می‌دهد این است که جلال را با نشانه‌های عیسی، در اولین نشانه و هفتمین نشانه، مرتبط می‌کند و نشان می‌دهد که ما باید جلال او را در تمام نشانه‌ها، و به ویژه در نشانه بزرگ، یعنی رستاخیز او از مردگان، ببینیم. این جمله زیبایی در فصل ۱۱ است. من آن را دوست دارم.

در فصل ۴، آیه ۴۹. ببخشید، ۳۹ و ۴۰ از فصل ۱۱. عیسی عمیقاً متأثر شده است.

سنگ را بردار. ۳۹. مارتا خیلی اهل عمل است. خدایا، تا این موقع، بوی خواهد آمد ۳۸

او چند روزی است که مرده است. این خیلی زیباست. به اصطلاح، این انجیل انسانی است. بوی تعفن مرگ و گناه انسانی در آیه بعدی با آشکار شدن جلال خدا در کنار هم قرار گرفته است.

عیسی به او گفت، مگر به تو نگفتم که اگر ایمان بیاوری، جلال خدا را خواهی دید؟ وای. عیسی اولین نشانه را در قانای جلیل انجام داد؛ او جلال خود را آشکار کرد و شاگردانش در اینجا، در فصل ۱۱، شروع به ایمان آوردن به او کردند. خداوندا، سنگ را حرکت بده، بوی می‌گیرد.

خیلی جمله خوب، صادقانه و واقع‌بینانه‌ای است، اینطور نیست؟ اما او بوی بدی نمی‌داد. عیسی پیش از این، حتی قبل از صلیب، به طور استعاری با زنده کردن دوستش لازاروس از مرگ بدون اثرات پوسیدگی بدنش، بر بوی بد گناه و مرگ غلبه کرده بود. این شگفت‌انگیز است.

به این ترتیب، نشانه هفتم جلال خدا را آشکار می‌کند و ایمان را فرا می‌خواند. آیا به شما نگفتم اگر ایمان بیاورید، جلال خدا را خواهید دید؟ بنابراین، نشانه اول و هفتم عمداً با جلال خدا مرتبط شده‌اند تا نشان دهند که همه نشانه‌ها جلال خدا و پسر را آشکار می‌کنند. و اگرچه یوحنا این را نمی‌گوید، اما جلال روح‌القدس را.

فردا دوباره به آن خواهیم پرداخت و به بحث ادامه خواهیم داد و درباره اهداف انجیل یوحنا و سایر موارد نیز صحبت خواهیم کرد.

این دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه چهارم، ساختار انجیل یوحنا است.